

سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم با انگیزه دینی*

جلالی، محمدرضا^۱

میرخلیلی، سید محمود^۲

چکیده

این مقاله با هدف بررسی رویکرد حاکم بر سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران در قبال جرایم با انگیزه دینی، نگارش یافته است. به همین منظور، ضمن بیان مفهوم جرایم با انگیزه دینی و طبقه بندی آن ها، این نوشتار حاکی از آن است که ابتداءً قانونگذار، فاقد شناسایی اختصاصی این نوع از جرایم و پراکندگی در زمینه تدوین آن است. در ثانی، مبنای مسئولیت کیفری بزهکاران دینی در قوانین ایران شفاف نبوده و ضمن تعارض و تهافت بین مواد قانونی، نگرش قانون گذار، عدم توجه دقیق به این مقوله در اثر عدم تفکیک آن از سایر جرایم است. سوم آنکه، رویکرد سیاست جنایی تقنینی در مقابله با اینگونه از جرایم، صرفاً یک رویکرد کیفر محور، سزا دهنده و فاقد نگرش اصلاحی بوده و بنابراین پیش گیرانه هم نیست. چهارم آنکه، سیاست جنایی تقنینی، رفع مسئولیت به واسطه انگیزه دینی را صرفاً در برخی موارد محدود پذیرفته است و پنجم آنکه در نتیجه و در برخی از موارد، سیاست جنایی قضایی، مبین خصیصه تساهل، تسامح، ملاطفت و خشتی سازی اهداف مستتر سیاست جنایی تقنینی می باشند و توسعه و غلبه نگرش انعطافی و خشتی کننده در برخورد با اینگونه جرایم، از اوصاف مهم سیاست جنایی اجرایی تلقی شده است.

واژگان کلیدی: انگیزه دینی، جرم، سیاست جنایی، ایران.

* تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۲۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۳/۳۰

۱ - دانشجوی دکترا، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران . jalali.iranlaw@yahoo.com

۲ - دانشیار دانشگاه تهران، دانشکده حقوق، پردیس فارابی، ایران (نویسنده مسوول). mirkhalili@ut.ac.ir

۱. درآمد

دین در لغت معانی مختلفی دارد، دین یعنی طاعت و لذا خداوند متعال فرموده، و دین خالص همواره از آن او می باشد، آیا از غیر او می ترسید (نحل، ۱۶، ۵۲).^۳ دین به معنی جزاء نیز آمده است، قرآن کریم فرموده، (خداوندی که) مالک روز جزا است (حمد، ۱، ۴)،^۴ و نیز به معنای حکم آمده و لا تأخذکم بهما رأفه فی دین الله (نور، ۲۴، ۲)، یعنی در حکم الهی (الطریحی، ۱۴۰۳، ۶، ص ۲۵۱).

دین در اصطلاح به قانون الهی اطلاق می شود که برای صاحبان عقل و فکر آمده است و دربرگیرنده اصول و فروعی می باشد (همان).

مذهب نیز در لغت معانی مختلفی دارد، به معنای طریقه و روش به معنای رأی و به معنای اعتقادی که بر اساس آن فعلی را انجام می دهند آمده است (شرتونی، ۱۴۰۳، ۱، ص ۳۷۵). در اصطلاح ادیان به همین معنای اخیر یعنی معتقدی که بر اساس آن فعلی را انجام می دهند، مذهب گفته می شود (همان).

مذهب معمولاً کاربردش اخص از دین است. یعنی دین عام است و مذهب خاص. مثلاً دین اسلام عام است و شامل همه فرقه های اسلامی می شود و لذا شیعه و سنی همه بر این اعتقادند که اگر کسی به وجود خداوند و یگانگی او و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و آنچه او از جانب خدا آورده، اقرار نماید، مسلمان است و آثار اسلام که در کتب فقه بیان شده بر آن مترتب است (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۷، ص ۲۰)، ولی مذاهب منشعب از دین اسلام علاوه بر این اعتقادات، اعتقادات یا اعتقاد خاصی دارند که دیگر مذاهب آن را ندارند مثلاً مذهب شیعه معتقد به نصب الهی در امامت است، ولی مذهب تسنن چنین اعتقادی ندارد. بر این اساس گاهی یک دین دارای چند مذهب است.

در آیین مسیحیت سه مذهب کاتولیسیم، پروتستانیسیم و کلیسای ارتدوکس، شاخص ترین این مذاهب اند. دین یهود نیز به دلیل مطلب پیش گفته مذاهب مختلفی پیدا کرد که هر کدام تفسیرهای خاصی از متون دینی نمودند، فریسیان، صدوقیان، قارئون، ثانویان، سامریان، اسنیان و دونمه.

جرائم با انگیزه دینی، رفتارهایی هستند که غایت اصلی آن ها اطاعت از فرامین الهی است؛ اما با این مشخصه بارز که نه تنها فرمان الهی در پی آن عمل نمی شود بلکه نتیجه و حاصل آن، ارتکاب گناه یا جرمی است که شارع از آن نهی کرده است. توجه نهادهای برخاسته از یک هیأت اجتماعی در این رابطه می تواند متفاوت باشد. لذا در این مقاله به یکی از موضوعاتی که در نظام قضایی ایران مغفول مانده می پردازیم.

مسئله از این قرار است که در پی یافتن سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایمی هستیم که کمتر مورد توجه قرار گرفته و این عدم توجه کافی یا به علت آشنایی وافر به آن و یا عدم شناسایی اختصاصی آن است که مورد اخیر در این موضع بیشتر قابل توجه است. در نتیجه با رویکرد کتابخانه ای به نحوی که از مشاهده

۳ - وَكَلَهُ الدِّينَ وَأَصْبَأَ أَفْغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ .

۴ - مالک یوم الدین.

رویدادهای مربوطه غافل نبودیم در ادامه به این موضوع پرداخته تا بتوانیم راهگشایی برای ورود قضایی ایران در این زمینه باشیم.

موضوع مورد بررسی در این مقاله این است که شناسایی و مقابله با جرایم با انگیزه دینی در کشور ایران از چه سابقه‌ای برخوردار است و در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران فارغ از الزامات بین‌المللی، چه سیاستی در مقابله با جرایم با انگیزه دینی پیش‌بینی شده است و اصولاً ببینیم که آیا سیاست جنایی تقنینی در این خصوص وجود دارد یا خیر؟ و آیا به‌رغم وجود عناوین مجرمانه‌ی سنتی نیازی به جرم‌انگاری جرایم با انگیزه دینی در حقوق کیفری ایران وجود دارد یا خیر؟

۲. طبقه‌بندی جرایم با انگیزه دینی

در نتیجه‌ی فرایند جهانی‌سازی و گسترش فناوری، تغییرهای قابل توجهی در ماهیت و میزان جرایم بین‌المللی در حال ایجاد است. به‌عنوان نمونه، اوایل قرن بیست و یکم تهدیدهای جهانی جدید پدیدار شد. حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی به ایالات متحده آمریکا، چالش تروریسم بین‌المللی را آشکارا نشان داد. در کنار این چالش، بُعد دینی دادن به آن و اتصال آن فقط به پیروان دین اسلام^۶ از اهمیت بیشتری برخوردار بود. همین امر باعث گردیده تا از جمله عوامل بی‌ثباتی در قرن بیست و یکم، توسل دروغین به الهیات رادیکال و خشونت دینی باشد که این نوع از الهیات، به طور کاملاً هدفمند و مغرضانه، از ایدئولوژی دینی رادیکال به مثابه ابزاری برای رسیدن به اهداف سیاسی استفاده می‌کند. بر همین اساس، بارزترین وجه تمایز جرایم نوین، تأکید آن‌ها بر ادیان است (Brown, 2007, p 31). به همین منظور می‌توان جرایم با انگیزه دینی را در شکل‌های زیر مشاهده کرد،

۱-۲. جرایمی که از طرف یک دیندار با اعتقاد به اینکه، فکرش صحیح است رخ می‌دهد. مانند اعتقاد به مهدور الدم بودن دیگری، که مرتکب واقعاً به این اعتقاد قلبی رسیده، اما در راه رسیدن به این اعتقاد و تشخیص مصداق به خطا رفته است. نویسندگان مقاله حاضر، این مورد را جرایم با انگیزه دینی نوع اول می‌نامند.

۲-۲. جرایمی که از طرف افراد به اصطلاح متدین رخ می‌دهد و هیچ مبنای دینی ندارد مانند رفتار خوارج (شهرستانی، ۱۴۱۵ق، ۱/ص ۱۴۰ و ابن حزم اندلسی، ۱۳۲۰-۱۳۱۷ق، ۴/ص ۱۸۹)^۷ که بدفهمی ایشان عامل جرایم آن‌ها با توسل به انگیزه دینی بود و یا توهین پیروان یک دین از سوی پیروان دین دیگر. نویسندگان مقاله حاضر، این مورد را جرایم با انگیزه دینی نوع دوم می‌نامند. در واقع اینان دین را وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف خود و مانعی بر راه انتقادات سایرین از خویشان قرار می‌دهند.

۵ - مسلمانان

۶ - از برخی فرقه‌های خوارج پاره‌ای آرای فقهی نقل شده است؛ از جمله قتل اطفال و همسران مخالفان، اعتقاد به اینکه اطفال مشرکان نیز با پدران در آتش خواهند بود. به باور ازارقه، مسلمانانی که به خوارج تعلق ندارند باید کشته شوند، ولی قتل مسیحیان، زردشتیان یا یهودیان حرام است.

۲-۳. دسته سوم جرایمی هستند که از سوی بی دینان به عنوان جرایم با انگیزه دینی شناخته می شوند. این مورد رفتارهای مشروع دینی هستند که دشمنان برای تخریب دین، آن ها را مستمسکی برای انتقادات خود از دین قرار می دهند. در واقع این رفتارها از نگاه بیرون و افراد بی دین، جرایم دینی شناخته می شوند. رفتارهایی چون؛ کشتن مهدورالدمی مانند مرتد و یا در واقع همان اجرای حدود الهی. مثال دیگر آن، غنایم جنگی است که تحت عنوان سرقت دینی شناخته می شود. حتی ممکن است قتل در فراش، در این دسته قرار گیرد. نویسندگان مقاله حاضر، این مورد را جرایم با انگیزه دینی از نگاه دشمنان می نامند که تخصصاً از بحث فعلی ما خارج است. چرا که این رفتارها در نظام تقنینی ما مجرمانه نبوده و ارتکاب صحیح آن ها شاید در برخی موارد تکلیف شرعی متدینین باشد.

۳. مصادیق جرایم با انگیزه دینی

جرایم با انگیزه دینی به علت توجه به مقوله انگیزه از سوی بزهکار، صرفاً در حیطه جرایم عمدی قرار می گیرند و جرایم غیر عمدی به لحاظ منتفی بودن موضوع انگیزه، اساساً از حیطه شمول این نوع از جرایم خارج هستند. با توجه به مباحث پیش گفته، جرم با انگیزه دینی هرگونه رفتار مجرمانه ای است که به بهانه عمل به فرامین دینی یا پاسداری از حریم دین، رسیدن به خدا و یا جلب رضای الهی صورت می پذیرد. علاوه بر آن و از سوی دیگر، مردم جرایمی را که متدینین انجام می دهند، به پای عقیده و دین آن ها می گذارند. به عبارت دیگر اگر یک کشیش مرتکب رفتار ناشایستی شود، آن را به پای دین مسیحیت نوشته و این رفتار را به عنوان نماد متدینین به آن دین می شناسند، بدون توجه به این نکته که اصل دین از چنین رفتاری بیزار است.

جرایم با انگیزه های دینی گذشته ای در حد سابقه پیدایش ادیان دارد. در دین اسلام، قدیمی ترین جلوه از این جرایم به ماجرای خوارج و قیام مسلحانه آنان ضد حکومت و خلیفه وقت مسلمین بر می گردد، جریان مارقین^۷ و شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و همچنین ماجرای سال ۶۱ هجری قمری با فتوای شریح قاضی (حلی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۰۰۳)^۸ نیز نمونه های دیگری از قتل و کشتارهای با انگیزه ی دینی در صدر اسلام هستند.

در قرون میانه، دو دین بزرگ جهان یعنی اسلام و مسیحیت پس از سال ها مناظره، برای حل مسائل اختلافی خود دست به جنگ های صلیبی زدند. اگرچه انگیزه های سیاسی، اقتصادی و جاه طلبی برخی از

۷ - مارقین، به معنای گروه بیرون رفته و خروج یافته، عنوانی است برای خوارجی که در جنگ نهروان علیه امام علی علیه السلام جنگیدند. مارقین در ابتدای جنگ صفین از سپاهیان امام علی علیه السلام بودند، اما ماجرای حکمیت سبب شد بر امام علی بشورند و گروه سومی تشکیل دهند که با هیچیک از طرفین همراه نبود.

۸ - شریح بن حارث کندی مشهور به شریح قاضی از چهره های اجتماعی، قضایی و تا حدی سیاسی صدر اسلام. به دستور عمر بن خطاب قاضی کوفه شد و عثمان هم منصب قضای او را تثبیت کرد. او در زمان حکومت امام علی علیه السلام به دلیل بعضی قضاوت های نادرست تبعید شد. برخی او را از عوامل اصلی در بسیج مردم کوفه و شام علیه امام حسین علیه السلام می دانند. مورخان مدت قضاوت شریح را از ۵۳ تا ۷۵ سال ذکر کرده اند.

پادشاهان و امپراطوری‌ها در پس پرده این جنگ‌ها وجود داشت، اما یکی از مهم‌ترین عوامل این جنگ‌ها، انگیزه‌های دینی تحمیل شده به جامعه آن زمان بود (دورانت، ۱۳۶۷، ۴/ص ۸۷۳). بالأخره در عصر حاضر نیز تشکیل دولت‌هایی با عناوین اسلامی، همچون دولت اسلامی عراق و شام، از جمله مصادیق امروزی آن هستند.

۳-۱. قتل

مهم‌ترین و خطرناک‌ترین جرایم با انگیزه دینی، دیگر کشی است. این مورد در طول تاریخ مصادیق زیادی را به خود دیده است. کشتن کودکان هم نام علی علیه السلام^۹ به علت ممنوعیت نام گذاری به نام «علی» در بنی امیه، مصداق بارز دینی این نوع از جرایم است (مزی، ۱۴۰۶ق، ۲/ص ۴۲۹). کشتن نسائی^{۱۰} به دلیل نقل فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام و امتناع از درخواست مردم دمشق در سخن گفتن از فضایل معاویه، کشتن فرزندان پسر بنی اسرائیل توسط فرعون برای جلوگیری از ولادت و انقلاب حضرت موسی علیه السلام، (بقره، ۲، ۴۹) (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ۱۶/ص ۱۲ و همان، ۲۰/ص ۷۶). قتل شهاب و فائزه منصوری توسط برادران ریگی، قتل زنان خیابانی در مشهد و قتل‌های محفلی کرمان، موارد بارز قتل‌های با توسل به انگیزه‌های دینی در جامعه امروز ما هستند (غلامی، ۱۳۹۳، ص ۹۸).

۲-۳. افترا

مصداق دیگر از جرایم با انگیزه دینی؛ توهین، افترا و نشر اکاذیب است. توهینی که آماج آن، غالباً افرادی هستند که از دینی غیر از دین مرتکبان این جرم پیروی می‌کنند. البته توهین به شخصیت‌های دینی و دروغ پراکنی در مورد آن‌ها، یکی از راهکارهای مخالفان، برای تخریب چهره دین مقابل است. نشر اکاذیب نیز با هدف تخریب وجهه دین دیگر، تخریب چهره شخصیت‌های برجسته دینی و انحرافی نشان دادن اصل دین و آموزه‌های آن، از دور خارج کردن ادیان رقیب، جذب پیروان بیشتر برای دین خود و ... صورت می‌گیرد. مصادیق این مورد را در دین اسلام نیز شاهدیم. تبلیغات مسموم معاویه در شام به حدی گسترده بود، که پس از ضربت خوردن علی بن ابیطالب علیه السلام در مسجد کوفه، در میان مردم این سؤال بالا گرفت که مگر علی علیه السلام مسلمان بود و نماز هم می‌خوانده که در مسجد کشته شده است. یا لعن علی بن ابیطالب علیه السلام بر بالای منبرها تا حدی که هر گاه فردی از بنی امیه از جایش حرکت می‌کرد، علی علیه السلام را لعن می‌کرد (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ۵۰/ص ۹۶)، که همگی از مصادیق تخریب شخصیت‌های دینی با توسل به دین بود.

۹ - بنو امیه إذا سمعوا بمولود اسمه علی قتلوه.

۱۰ - نسائی، از برجسته‌ترین علما و محدثان اهل تسنن است که کتاب سنن وی یکی از صحاح سته اهل سنت به شمار می‌رود.

۱۱ - وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنَ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ.

شلاق زدن امثال ابن ابی لیلی^{۱۲} (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۶۷) و عطیه بن سعد^{۱۳} (ابن سعد، ۱۹۶۸، ۶/ص ۳۰۴) به علت امتناع از سب علی علیه السلام؛^{۱۴} شلاق زدن و آزار و اذیت ناقلان فضایل اهل بیت علیهم السلام^{۱۵} (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۶ق، ۷/ص ۲۰۱). کشتن و زندانی کردن شیعیان در تمامی شهرهای اسلامی (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۸ق، ص ۴۳ و ابن عقیل، ۱۴۱۲ق، ص ۷۲)^{۱۶} نتیجه امتناع از این رفتارها بوده است.

۳-۳. جرایم جنسی

به نظر می‌رسد بسیاری از جرایم جنسی ارتكابی توسط کشیشان و راهبان مسیحی در نگاه اول بیانگر نقش دین در ارتكاب این دسته از جرایم است. اما باید توجه داشت که عامل ارتكاب جرایم مذکور نه انگیزه‌های دینی بلکه آموزه‌های افراط گرایانه دینی است. این آموزه‌ها که به پرهیز از آمیزش جنسی سفارش می‌کند و رسیدن به درجات معنوی را تنها از طریق رهبانیت ممکن می‌دانند، نقش اساسی در سرکوبی غرایز جنسی و واکنش به این سرکوبی از طریق تجاوزات جنسی دارد (کی نیا، ۱۳۷۰، ۲/ص ۲۴۳).

زنده نگه داشتن زنان توسط فرعون پس از کشتن فرزندانانشان (خافر، ۴۰، ۲۵)^{۱۷} و یا واقعه حرّه که مسلم بن عقبه فرمانده سپاه یزید که به مدینه گسیل شده بود و در نتیجه آن شهر را سه روز بر سپاهیانش مباح کرد که در پی آن خون‌های بیگانه بسیاری ریخته شد، حریم‌ها شکسته شد و به نوامیس بسیاری تجاوز گردید (یعقوبی بغدادی، ۱۴۲۵هـ / ۱/ص ۱۷۵).

۳-۴. جرایم علیه حقوق افراد

حقوق افراد را می‌توان به دو بخش حقوق طبیعی و قراردادی تقسیم کرد. حقوق طبیعی کلیه حقوقی است که هر انسانی صرف نظر از هرگونه قومیت، نژاد، دین، مذهب و عقیده از آن برخوردار است. حقوق قراردادی شامل حقوقی است که بنا به مقتضیات اجتماعی و قراردادهای اجتماعی برای افراد در نظر گرفته می‌شود. مانند حق برخورداری از تحصیلات عالی که امروزه می‌توان مصادیق گوناگونی از تجاوز به این حقوق را مشاهده کرد. برای نمونه سخت‌گیری‌های حکومت وهابی عربستان نسبت به شیعیان مناطق شرقی این کشور و کوچ‌های اجباری مردم فلسطین توسط رژیم صهیونیستی از این دسته اند (جریس، ۱۳۵۰، ص ۲۰۳).

۱۲ - از همراهان علی علیه السلام و از شرکت کنندگان در جنگ نهروان؛

۱۳ - از راویان کتاب صحیح بخاری، ابی داوود، ترمذی، ابن ماجه و ...

۱۴ - ثم ضربه لیسب ابا تراب رضی الله عنه؛ «فأبی عطیه أن یفعل فضره اربع مائه وحلق رأسه ولحیته»

۱۵ - أمر المتوکل بضره ألف سوط.

۱۶ - أن أبا، جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام قال لبعض أصحابه ... فقنلت شیعتنا بكلّ بلده وقطعت الأیدی والأرجل علی الظنّه وکان من یذکر بحینا والانقطاع إلینا، سجن، أو تُهب ماله، أو هُدمت داره. «فقنلهم تحت کلّ حجر ومدر، وأخافهم، وقطع الأیدی والأرجل، وسمل العیون، وصلبهم علی، جذوع النخل وطرفهم وشردهم عن العراق، فلم یبق بها معروف منهم»؛

۱۷ - فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِهِ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ.

رژیم صهیونیسم با برتر دانستن خود با توسل به پشتوانه های دینی، یعنی همان قوم برتر بودن و پست و ناچیز دانستن سایر اقوام ارتکاب هر گونه جنایتی را بر آن ها جایز دانسته است (سلیمانی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵).

۳-۵. سرقت

سرقت می تواند برای تأمین هزینه های گروه مقدس دینی باشد. در آمریکا دختری به نام پتی هرست^{۱۸} پس از آنکه توسط یک گروه به اصطلاح انقلابی-دینی ربوده شد، مورد تعلیماتی دینی قرار گرفت که در اثر آن به یک فرد انقلابی تبدیل شد و برای تأمین هزینه های آن گروه اقدام به سرقت از بانک ها می کرد (میر محمد صادقی، ۱۳۸۶، ص ۲۹۱).

گاهی انگیزه بزهکار بدین گونه است که به قصد ضربه زدن به مالکیت بزه دیده اقدام به سرقت دارایی او می کند. در اینجا نفع شخصی و سود مالی مدنظر بزهکار نیست و آنچه مدنظر است سلب مالکیت از بزه دیده می باشد. این نوع سرقت که به جرم از روی تنفر نیز مشهور است در مواردی که امکان تخریب دارایی بزه دیده به طور مستقیم وجود ندارد می تواند جانشین تخریب شود. مانند موردی که در آن یک وهابی به منظور جلوگیری از سجده شیعیان بر مهر، مهرهای موجود در مساجد را بر باید.

در برخی از موارد هدف اصلی بزهکار، بزه دیده نیست بلکه هدف به دست آوردن منابع مالی کافی به منظور پیش برد اهداف دینی خودش است. در اینجا برخلاف مورد قبل شخصیت بزه دیده و اینکه وی تابع چه دینی باشد اهمیتی ندارد.

همچنین انگیزه دینی ایجاد شده در بزهکار می تواند به علت ویژگی خاصی باشد که مال سرقت شده دارد. این ویژگی از دو جهت قابل بررسی است. ممکن است مال مسروقه به لحاظ دینی مورد علاقه بزهکار بوده و ارزش معنوی فراوانی برای وی داشته باشد. مانند سرقت کتاب ها یا نسخه های تاریخی یک دین که در اختیار پیروان دین دیگر است.

گاهی نیز ممکن است علت سرقت، تنفر بزهکار نسبت به مال مسروقه باشد. در اینجا هدف مرتکب، از بین بردن مال مسروقه است. مانند اینکه مسلمانی با این عقیده که داشتن مشروبات الکلی برای هر کس حتی اهل کتاب حرام است اقدام به سرقت مشروبات الکلی یک غیر مسلمان نماید.

در ارتکاب برخی از سرقت های با انگیزه دینی، مکان سرقت مانند مسجد یا امامزاده برای ربایندگان موضوعیت دارد.

ممکن است سرقت مقدمه ای برای هدفی مهم تر باشد. برای مثال در جایی که یک وهابی اقدام به ربودن فرش های یک امامزاده می نماید؛ خود فرش و سرقت آن برای وی موضوعیت ندارد بلکه آنچه برای وی حائز اهمیت است جلوگیری از حضور شیعیان در جایی است که در اندیشه وی مروج کفر و شرک است.

در مواردی نیز بزهکار با توجه به آموزه‌ای دینی که تعرض به مال بزه دیده را مباح می‌داند، اقدام به سرقت اموال وی می‌کند. در نهایت انگیزه دینی ارتکاب جرم سرقت می‌تواند ترکیبی از دو یا سه مورد از گونه‌های مذکور باشد. در سرقت‌هایی که با انگیزه دینی ارتکاب می‌یابند سارق عمل ربودن خود را حرام نمی‌داند یا در مواردی سارق تصرف آن مال را برای خود مباح می‌داند و اساساً آن مال را مال غیر نمی‌داند (غلامی، ۱۳۹۳، ص ۴۰).

۳-۶. سرقت مسلحانه

در سرقت‌های مسلحانه با انگیزه‌های دینی نیز غالباً علت حمل سلاح توسط بزهکاران این جرم؛ کسب اعتماد به نفس بیشتر، ارباب، استفاده از آن در موارد ضروری (قربان حسینی، ۱۳۷۱، ص ۸۶) و در نهایت آزار و اذیت قربانی است. از مثال‌های قابل توجه در این زمینه، گروه اراذل یا تاگ‌ها^{۱۹} است. اراذل یک سازمان دینی هندو بود که به افتخار الهه ی کالی؛ دست به سرقت و قتل می‌زدند. این گروه کشتگان خود را فداکارانی می‌دانستند که در راه اهداف والای آنان کشته شده‌اند و به همین دلیل لایق بهشت هستند.

۳-۷. راهزنی

راهزنی هم می‌تواند با انگیزه‌های شرافتمندانه مانند انگیزه کمک به دیگران و یا انگیزه‌های دینی همچون صدقه و انفاق ارتکاب یابد. شخصیت‌هایی مانند رابین هود در مسیحیت اروپایی و سرقت کاروان‌های سلطنتی و تقسیم اموال مسروقه بین مستمندان و یا گروه‌هایی ملقب به عیاران در میان مسلمانان ایرانی، حاصل وجود انگیزه‌های شرافتمندانه دینی در راهزنی است.

سردسته راهزن‌های دینی اغلب در بین مردم یا دست کم در بین هم‌کیشان خود به عنوان قهرمانان و اسطوره‌های دینی شناخته می‌شود. سایر افراد گروه نیز از میان کسانی که با رؤسای گروه هم عقیده هستند انتخاب می‌شوند. با توجه به حاکمیت اصل اباحه ی جان و مال، بزه دیدگان اغلب از گروه‌های متعلق به یک دین خاص، گروه‌های محکوم به تکفیر از نگاه بزهکاران و یا کلیه کسانی که از دینی غیر از دین مورد قبول بزهکاران پیروی می‌کنند انتخاب می‌شوند (غلامی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۸).

بالآخره حمله وهابیت به مدینه منوره و غارت گنج‌های داخل حجره شریف پیامبر اکرم صل الله علیه و آله و سلم (العجلانی، بی تا، ۲/ص ۴۸)؛ از دیگر مصادیق این جرایم است.

۳-۸. تخریب

در جرم تخریب هم وضع بر همین منوال است. انگیزه‌های دینی برای ارتکاب جرم تخریب نیز از گونه‌های متنوعی برخوردار است. این انگیزه‌ها گاهی با نوع مصادیق تخریب نیز ارتباط تنگاتنگی دارند. گاهی انگیزه دینی برای تخریب در قالب تنفر نسبت به مال نمودار می‌شود که این تنفر ریشه در باورهای دینی شخص دارد. مانند جایی که فرد مسلمان با این تصور که شرب خمر در جامعه اسلامی برای همه حتی اهل ذمه نیز

حرام است مشروبات الکلی یک مسیحی اهل کتاب را به همراه ظروف آن‌ها از بین ببرد. در چنین مواردی حرمت و نجاست مشروبات الکلی در اسلام موجب تنفر شخصی از آن شده است و ترکیب این تنفر و یک عقیده نادرست موجب ارتکاب جرم تخریب شده است.

احساس وظیفه دینی نیز یکی دیگر از انواع انگیزه‌های دینی در جرم تخریب است. بزهکار در اینجا تخریب اموال خاصی را وظیفه دینی خود می‌داند. مانند جایی که شخص یک اثر تاریخی را با اندیشه شرک آمیز بودن آن از بین ببرد در مورد تخریب با انگیزه دینی می‌توان به اعمال پیروان وهابی‌ها در ویران سازی قبه و بارگاه اولیای الهی اشاره کرد (دحلال، ۱۳۶۶، ص ۹).

هرگاه وهابیان بر روستا یا شهری تسلط پیدا می‌کردند به سراغ قبرهای ضریح دار رفته و آن‌ها را خراب می‌کنند. به همین علت است که آنان را تخریب کنندگان معابد می‌نامند (ابوزهره، ۱۳۸۸، ص ۲۴۹). به آتش کشیدن کتابخانه بزرگ المکتب العربیه به بهانه وجود کفریات توسط وهابی‌ها (السعید، ۱۴۰۴، ق، ص ۱۵۸ و امین، ۱۹۵۲، ص ۵۵) و انجام عملیات حفاری در اطراف مسجد الأقصی به منظور جستجوی هیکل سلیمان به وسیله رژیم صهیونیستی (رایش، ۱۳۸۱، ص ۱۶)، شکستن منبر حاکم نیشابوری^{۲۰} به علت نقل نکردن فضایل معاویه و ممنوع الخروج کردن او از منزل (ذهبی، ۱۴۰۹، ق، ص ۱۳۲)؛^{۲۱} حمله وهابیت به حرم مطهر امام حسین علیه السلام و تخریب قبر آن حضرت و غارت اموال حرم و هتک ناموس و کشتار گسترده مردم بی دفاع شهر (ابن بشر، ۱۴۰۲، ق، ۴/ص ۲۵۷)؛ حمله وهابیت به مدینه منوره و تخریب قبور ائمه بقیع و بزرگان اسلام، تخریب گنبد و بارگاه امامان هادی و عسکری علیهما السلام در سامرا (حسینی قزوینی، بی تا، ص ۱۱۴)؛ نبش قبر صحابی جلیل القدر پیامبر، حجر بن عدی در سوریه و تخریب بیش از هزار مسجد و چندین بارگاه و زیارتگاه از دیگر موارد تخریب با انگیزه دینی است.

۳-۹. ترور و مقابله با نظام دینی

مورد دیگر از جلوه های جرایم با انگیزه دینی، محاربه یا خیانت به کشور^{۲۲} است. ترور شخصیت‌های برجسته دینی، بمب گذاری در معابر و محافل عمومی مانند مساجد، حسینیه‌ها و اماکن متبرکه، ربودن و کشتار وحشیانه اشخاص به منظور ایجاد رعب و وحشت در میان پیروان سایر ادیان، مثله کردن و سربریدن کودکان؛ از جمله مواردی است که امروزه توجه همه را به خود جلب کرده است (آقایی نیا، ۱۳۸۵، ص ۲۰). ترور هم می‌تواند با انگیزه‌های دینی با عنوان «ترور مقدس»^{۲۳} ارتکاب یابد. بزهکاران امنیتی غالباً ترجیح می‌دهند تا به منظور افزایش ضریب موفقیت و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده، افرادی هم فکر و هم

۲۰ - شارح بزرگ ترین و معتبرترین کتاب اهل سنت، یعنی صحیح بخاری.

۲۱ - أنهم کسروا منبره ومنعوه من الخروج.

۲۲ - در حقوق آمریکا و انگلستان تحت عنوان robbery , burglary است.

عقیده خود را بیابند و از طریق تشکیل یک سازمان منسجم با حکومت مقابله کنند. در حالت عادی و بدون وجود انگیزه های دینی، تروریست های سکولار^{۲۴} معمولاً اتهام خود را نمی پذیرند و بر همین مبنا پس از دستگیری؛ حاضرند تا در ازای برائت از انتساب عملیات وحشت افکنی^{۲۵} به جرمی خفیفتر اعتراف کنند که چنین پدیده ای در مورد ترورهایی که با انگیزه های دینی اتفاق می افتد موضوعیت ندارد. در این نوع ترورها، با توجه به اینکه ورای عملیات وحشت افکنی، عنصر روانی انگیزه دینی حضور دارد، تروریست به درستی عمل خود ایمان و اعتقاد دارد و از انتساب عمل مجرمانه به خود افتخار می کند. در عملیات وحشت افکنی که با انگیزه دینی ارتکاب می یابد اصل «هدف وسیله را توجیه می کند» حاکمیت دراد. در اینجا وحشت افکن نه تنها «هدف» خود را مقدس می داند بلکه «وسیله» ای که به موجب آن دیگران را می ترساند نیز از نظر وی مقدس است.

اغلب تروریست های با انگیزه دینی، قربانیان خود را از میان گروه های خاصی انتخاب می کنند. مثلاً اشخاصی که پیرو دینی کفرآلود هستند و یا هم کیشانی که با کفار همکاری می کنند یا رهبران و بزرگان دینی و کسانی که خواهان جدا شدن از گروه تروریسم دینی هستند.

در ترورهای با انگیزه دینی، نمادهایی به عنوان موضوع جرم در معرض آسیب قرار می گیرند. اما این آماجها الزاماً نمادی ترین مظهر تجلی قدرت یا دولت مقابل تروریستها نیستند. در این ترورها آنچه به طور بالقوه آماجها را در معرض خطر قرار می دهد ویژگی و موقعیت خاص آنهاست که کانون توجه تروریست قرار می گیرد. برای مثال در عملیات تروریستی که در عراق و پاکستان انجام می گیرد، علت قربانی شدن مردم بی گناه ویژگی خاص موجود در آنان یعنی پیروی از دین اسلام است.

به ویژگی نمادین آماجها باید خصیصه نمادین وسایل به کار برده شده در ترور را هم افزود(اتنف، ۱۳۸۳، ص ۳۲۷). با نگاهی به ترورهایی که با انگیزه های دینی صورت گرفته، نمادین بودن وسایل به کار برده شده کاملاً محسوس است. برخلاف سایر ترورها که ویژگی قدرت، نوع وسیله را تعیین می کند در ترور با انگیزه های دینی این تفسیر تروریست از دین است که نوع وسیله مورد استفاده در ترور را تعیین می کند. نمونه ای از ویژگی نمادین بودن ابزار در ترور را می توان در اعمال فرقه ای به نام خانج^{۲۶} و کیسانیه^{۲۷} مشاهده

ترور مقدس یک رمان گرافیک از فرانک میلر است که به دنبال یک ابرقهرمان به نام Fixer می باشد، زیرا او پس از حمله به شهر امپراتوری، با تروریست های اسلامی جنگید. او در رمان جدید خود با عنوان «ترور مقدس» جامعه اسلامی را هدف گرفته و طی آن دیدگاه های اسلام هراسانه خود را ارائه کرده است. رمان مصور جدید "فرانک میلر" به نام «ترور مقدس» هیچ ظرافت و دقت خاصی ندارد. این کتاب با این نقل قول آغاز می شود: «اگر کافری دیدی، او را بکش». میلر معتقد است این نقل قول پیامبر است. از اینجاست که وطن پرستی متعصبانه، خشونت و اسلام هراسی شدت می گیرد.

۲۴ - Secular

۲۵ - ترور

۲۶ - khunnag

۲۷ - kaysaniyya

کرد. خانجیان قربانیان را با نوعی شال خفه می‌کردند و کیسانی‌ها قربانی خود را با ضربات چماق به قتل می‌رساندند(گ.س.هاجسن، ۱۳۶۹، ص ۱۰۷).

۴. سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم با انگیزه دینی

صحبت از سیاست جنایی ایران در این زمینه شاید ابتدا بسیار غریب به ذهن برسد. اما پس از واکاوی های نه چندان زیاد به این نتیجه می‌رسیم که هر چند این موارد تحت عنوان خاص خود در نظام قضایی ایران مطرح نشده‌اند، اما سیاست جنایی ایران در لابلای جرایم ارتكابی از آن‌ها غافل نبوده است. در ذیل مواردی از هر نوع را بیان می‌کنیم:

۱-۴. سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم با انگیزه دینی نوع اول

یکی از مصادیق این نوع از جرایم به آنجایی بر می‌گردد که اسلام اجرای برخی از حدود را در شرایط محدود و کاملاً مشخص، از سوی مسلمانان جایز دانسته است. قانون‌گذار ما در سال ۱۳۹۲ این موارد را در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی وارد کرد.

مشکلی که در این قسمت حادث می‌شود این است که حال یک مسلمان طرف مقابل خود را مشمول ماده ۳۰۲ فرض کرده و اقدام به اجرای حد نمود و در عمل خلاف بودن علم او ثابت شد. در اینجا او مرتکب جرم با انگیزه ای دینی شده است و به همین علت است که سیاست جنایی قضایی تردیدی در مجازات او بر اساس مفاد قانون ندارد. البته نه از باب ارتكاب جرم با انگیزه دینی بلکه به استناد تخطی از دین. چرا که این عنوان جرایم هنوز برای قانونگذار و به تبع آن، برای قضات ما شناخته شده نیستند.

مطابق ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲؛ هرگاه مرتکب جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، مدعی باشد که مجنی‌علیه، حسب مورد در نفس یا عضو، مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است یا وی با چنین اعتقادی، مرتکب جنایت بر او شده است این ادعا باید طبق موازین در دادگاه ثابت شود و دادگاه موظف است نخست به ادعای مذکور رسیدگی کند. لذا اگر ثابت نشود که مجنی‌علیه مشمول ماده ۳۰۲ است و نیز ثابت نشود که مرتکب بر اساس چنین اعتقادی، مرتکب جنایت شده است قاضی مرتکب را به مجازات اصلی جرمی که مرتکب شده محکوم می‌نماید. ولی اگر ثابت شود که به اشتباه با چنین اعتقادی، دست به جنایت زده و مجنی‌علیه نیز مشمول ماده ۳۰۲ نباشد، قاضی به خاطر این اعتقاد و انگیزه دینی، با مرتکب مسامحه می‌کند و مرتکب را به جهت آنکه خون مسلمان دیگر به هدر نرود، به جای قصاص، به پرداخت دیه محکوم و نیز از باب حکومتی او را تعزیر می‌کند.

مورد بعد آن جایی است که اسلام اجازه قصاص را به خود اولیای دم داده است. حال اگر اقدام اولیای دم خارج از ضابطه باشد پای جرایم با انگیزه دینی در این مسئله باز می‌شود. چرا که دین این اجازه را به آن‌ها داده بوده و آنان در تشخیص مصداق به خطا رفته‌اند.

مطابق ماده ۳۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، ولی دم نمی‌تواند پیش از فوت مجنی‌علیه، مرتکب را قصاص کند و در صورتی که اقدام به قتل مرتکب نماید، چنانچه جنایت در نهایت سبب فوت مجنی‌علیه نشود، مرتکب را از باب مجازات اصلی، مستحق قصاص دانسته است. حال اگر ولی دم اعتقاد داشته باشد که جانی با این رفتار مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است، در این صورت، مستحق قصاص که مجازات اصلی بوده، نیست.

۲-۴. سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم با انگیزه دینی نوع دوم

همانطور که قبلاً اشاره شد، این نوع از جرایم از طرف افرادی اتفاق می‌افتد که فقط ادعای دینداری را دارند و رفتار آن‌ها صد در صد مخالف آموزه‌های دینی است. از طرف دیگر این نوع از جرایم بیشتر بر علیه تمامیت جسمانی بزه دیدگان رخ می‌دهد.

در قوانین ایران به صراحت به این موضوع پرداخته نشده است؛ برای همین است که به مانند مورد قبل نمی‌توان رد پای از آن در میان سیاست جنایی یافت. اما جرایمی چون محاربه، بغی و افساد فی الارض را می‌توان در این گروه قرار داد. مواد ۲۷۹ تا ۲۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به این امور اختصاص یافته است.

به همین دلیل است که رویه قضات بر این تعلق گرفته که در جرایمی چون محاربه با عنایت به نحوه ارتکاب و نتایج حاصله، این نوع از بزهکاران را به اختیار خود به یکی از مجازات‌های اعدام، قطع دست و پا به صورت مخالف، صلب و یا نفی بلد محکوم می‌نمایند و در جرایمی چون افساد فی الارض و بغی نیز کوچکترین مسامحه‌ای را در اجرای مجازات اعدام به خرج نمی‌دهند.

مورد بعد که می‌تواند تحت این عنوان در قوانین جزایی ما شناخته شوند رفتارهایی چون توهین به اعتقادات دینی یا مقامات دینی است. گفتیم این جرایم می‌تواند از سوی پیروان یک دین علیه شخصیت‌های بزرگ دینی آیین دیگر قرار گیرد تا به این طریق دین خود را برتر نشان دهند. به همین منظر مطابق ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هر کس پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم و یا هر یک از انبیاء عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند سب‌النبی است و به اعدام محکوم می‌شود و قذف هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام و یا حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها یا دشنام به ایشان در حکم سب نبی شناخته شده است. همچنین است مطابق ماده ۵۱۴ قانون ۱۳۷۵، هر کس به حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، بنیانگذار جمهوری اسلامی و مقام معظم رهبری مد ظله العالی به نحوی از انحاء اهانت نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

همچنین مطابق ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیاء عظام یا ائمه طاهرین علیهم السلام یا حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها اهانت نماید اگر مشمول حکم سب‌النبی نباشد توسط قضات و رویه‌های قضایی موجود به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد. نکته قابل توجه در این ماده توجه به مقدسات سایر ادیان است. لذا مرتکبین را از توهین به مقدسات سایر

ادیان نیز بازداشته است. چرا که مقدسات مسیحیت یا یهود تحریف نشده، همان مقدسات اسلام هستند (آل عمران، ۳، ۱۹).^{۲۸} همچنین اهانت در این ماده اعم است و جرایمی چون تخریب را هم در بر می گیرد. لذا شکستن مهر، پاره کردن کتب ادعیه و ... همه می تواند از مصادیق این نوع از جرایم با انگیزه دینی باشد.

۳-۴. سیاست جنایی تقنینی ایران در قبال جرایم با انگیزه دینی از نگاه دشمنان یا نوع سوم

نظام تقنینی و قضایی ایران، مرتکبان برخی از رفتارهای به ظاهر مجرمانه را تحت شرایطی جرم نمی داند. مانند پدری که در حدود اجازه دین اسلام فرزندش را تنبیه و تربیت کند و یا ولی دمی که قاتل واقعی را بدون اجازه قصاص کند یا مجری احکام قضایی که مجازات ها را اجرا می کند، مردم را شلاق می زند، حبس می کند یا جانشان را می گیرد. در واقع مأمور امر قانونی است و قضات نیز در اجرای سیاست قضایی خود به استناد ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این قبیل افراد را مستحق مجازات نمی دانند.

از طرف دیگر رفتارها و مجازات های حدی ای وجود دارد که از نگاه بیگانگان ظالمانه و مجرمانه هستند. مواردی چون اعدام مهدور الدم یا سنگسار کردن، ارتداد، سحر و ... که سیاست جنایی ایران در قبال این جرایم از اواخر دهه هشتاد برای مقابله با انتقادات خارجی به صورت حذف برخی از این مصادیق جرایم و مجازات ها و بسنده کردن به ماده ۲۲۰ بود. مطابق ماده ۲۲۰ مصوب ۱۳۹۲، در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می شود. در واقع سیاست جنایی تقنینی و به تبع آن سیاست جنایی قضایی ایران در این مورد منفعلانه عمل کرده و به نوعی مغلوب فشارهای بین المللی قرار گرفته است. همین است که برابر با ماده ۲۲۵ قانون مذکور با اینکه حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم در نظر گرفته شده است، نحوه اجرای آن دستخوش تغییر شده است. با این بیان که در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می باشد که چنین رویکردی از سوی سیاست قضایی معمول است.

۵. برآمد

جرایم با انگیزه دینی غالباً جرایمی مهیب هستند که مهمترین ارزش های جامعه انسانی را مورد حمله قرار می دهد. شدیدترین نوع آن ها، «تروریسم مقدس» است که مرتکب در ذهن خود، توجیه کافی برای ارتکاب آن، حتی به شکل «انتحار»^{۲۹} آن هم به جای عنوان مقدس «شهادت طلبانه» دارد. این موضوع زمانی خطرناک تر می شود که مجرمین با انگیزه دینی، هیچگونه اظهار ندامتی ندارند. از سوی دیگر با سوء تعبیر از مفاهیم عالی دینی و فقدان برخی از مؤلفه های عدالت اجتماعی، بعضی از افراد به آسانی، جذب آن ها می شوند.

جرایم با انگیزه دینی را به سه دسته متفاوت طبقه بندی کردیم و دسته سوم را که صرفاً از نگاه بیگانگان و دشمنان، مجرمانه هستند را اساساً از شمول این عنوان خارج دانستیم چرا که در واقع برای تحکیم پایه های نظام دینی، اجرای آن ها لازم دانسته شده است. همین موضع را تقریباً در جرایم با انگیزه دینی از نوع اول شاهدیم چرا که برخورد قانونگذار با این نوع از جرایم نسبتاً معقول است. لذا سیاست جنایی تقنینی ایران رفع مسئولیت از بزهکار با انگیزه دینی را در برخی موارد به شرط اثبات اعتقاد دینی جایز دانسته. البته همان طور که عرض شد این تفکیک در سیاست جنایی به علت عدم شناسایی اختصاصی و مجزا، کاملاً مغفول مانده است. لذا مبنای مسئولیت کیفری بزهکاران دینی در قوانین ایران شفاف نبوده و ضمن تعارض و تهافت بین مواد قانونی، نگرش قانون گذار، عدم توجه دقیق به این مقوله است.

در عرصه سیاست جنایی قضایی در این نوع از جرایم با انگیزه دینی، نیازمند رعایت اصول دادرسی عادلانه و دور شدن از توجه صرف به افتناع اذهان عمومی هستیم، که این مهم میسر نخواهد شد مگر با شناساندن این نوع از جرایم به قضات، آن هم از طریق تقنین آن ها. در این حالت برخی بزهکاران دینی به علت نبود قانون مشخص و مدون در زمینه رفتار ارتكابی خود، ممکن است به عناوین شدیدتری در این زمینه محکوم شوند. اما در مقابل سیاست جنایی ایران در عرصه تقنینی در رابطه با جرایم با انگیزه دینی از نوع دوم مطلوب نیست. در واقع جرایمی که افرادی انجام می دهند، اما برای رهایی از مجازات به انگیزه ای دینی متوسل می شوند. توسل قانونگذار به عناوین عام و کلی صرفاً به منظور مجازات مرتکبین کافی نبوده و ما در عرصه تقنین نیازمند توجه به زمینه های ارتكاب این گونه جرایم و تصویب قوانین حمایت کننده از دین، حیثیت های معنوی و بزه دیدگان آن می باشیم. لذا رویکرد سیاست جنایی تقنینی ایران در مقابله با این نوع از جرایم با انگیزه دینی، صرفاً یک رویکرد کیفر محور، سزا دهنده و فاقد نگرش اصلاحی بوده و البته به همین دلایل است که پیش گیرانه نیست. چرا که عدم توجه به این مهم، نه تنها بزه دیده را از حقوق خود دور نگه می دارد بلکه ممکن است دین و ماهیت آن را به ورطه های هولناک و جبران ناپذیری نیز سوق دهد. ورطه ای که ممکن است به بی دینی سایر متدینین واقعی منجر شود و یا روآوردگان به دین را از آن منزجر نماید.

چرا که این افراد تفکیک صحیحی از رفتارهای صحیح و غلط فارغ از توجه به فاعل آن‌ها ندارند و هرگاه فاعل را به عنوان فردی متدین شناختند همه رفتارهای او را به پای دین او می‌نویسند. بنابراین توسعه و غلبه نگرش انعطافی و خنثی‌کننده در برخورد با اینگونه جرایم، از اوصاف مهم سیاست جنایی قضایی تلقی می‌شود. لذا لازم است که سیاست جنایی قضایی، از خصیصه تساهل، تسامح، ملاطفت و خنثی‌سازی اهداف مستتر در برخی از موارد سیاست جنایی تقنینی دوری‌گزیند.

همچنین در عرصه سیاست جنایی اجرایی ما نیازمند ایجاد بانک اطلاعاتی در مورد افراد مشکوک و استفاده از راهکارهای پیشگیری وضعی جهت مقابله با افراط‌گرایی دینی و تعصبات بی‌جا در قبال آموزه‌های دینی هستیم. همچنین پیشنهاد می‌شود سیاست‌های جنایی قضایی و اجرایی به سمتی بروند که بتوانند دادگاه‌های ویژه‌ی اختصاصی برای رسیدگی به این جرایم تأسیس کنند تا از پراکندگی مراجع رسیدگی‌کننده دوری شده و رسیدگی‌های تخصصی‌تر، راه را بر گسترش وقوعی این نوع از جرایم بکاهد.

۶. فهرست منابع

-قرآن مجید

۶-۱. منابع فارسی

-قانون مجازات اسلامی

-آقایی نیا، حسین، ۱۳۸۵، جرایم علیه اشخاص، تهران، انتشارات میزان.

-أتنف، رنالد، ۱۳۸۳، رهیافت جرم شناختی و بزه دیده شناسی به تروریسم، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۹، ۳۱۷ تا ۳۴۲.

-جریس، صبری و الی لوبل، ۱۳۵۰، صهیونیسم در فلسطین، ترجمه منوچهر فکری رشاد، تهران، انتشارات طوس.

-حسینی قزوینی، سید محمد، بی تا، وهابیت از منظر عقل و شرع، قم، مؤسسه تحقیقاتی ولی عصر (عج).

-حلی، علامه، ۱۴۰۹ق، ترجمه الألفین، مترجم وجدانی، هجرت، قم، چاپ دوم.

-دحلال، سید احمدبن زینی، ۱۳۶۶، فتنه وهابیت، ترجمه محمدرضا دین پرور، تهران، دفتر تبلیغات مسجد قبا.

-دورانت، ویل، ۱۳۶۷، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم طاهری، ج ۴، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

-رایش، والتر، ۱۳۸۱، ریشه های تروریسم، ترجمه سید حسن محمدی نجم، تهران، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و سپاه.

-ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۷۷، فرق و مذاهب کلامی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول.

-سلیمانی، عبدالرحیم، ۱۳۸۳، هفت آسمان، فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب، شماره ۲۲.

=غلامی، علی و حسین زاده، جمال الدین، ۱۳۹۳، مصادیق جرایم با انگیزه های مذهبی، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره اول (پیاپی ۳۹)، ۹۱ تا ۱۱۸.

-قربان حسینی، علی اصغر، ۱۳۷۱، جرم شناسی و جرم یابی سرقت، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.

-کی نیا، مهدی، ۱۳۷۰، مبانی جرم شناسی (جامعه شناسی جنایی)، ج ۲، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران.

-گ.س.هاجسن، مارشال، ۱۳۶۹، فرقه اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

-مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

-میر محمد صادقی، حسین، ۱۳۸۶، جرایم علیه اشخاص، تهران، انتشارات میزان.

۶-۲. منابع عربی

- ابن ابی الحدید، عزّ الدین بن هبه الله، ۱۴۱۸ق، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد عبد الکریم النمری، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن بشر، عثمان بن عبد الله، ۱۴۰۲ق، عنوان المجد فی تاریخ نجد، چاپ چهارم، ریاض، مطبوعات داره الملك عبد العزیز.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ۱۳۲۶ق، تهذیب التهذیب، چاپ اول، هند، مطبعه دائره المعارف النظامیه.
- ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، ۱۳۱۷-۱۳۲۰ق، الفصل فی الملل والاهواء والنحل، مصر.
- ابن سعد، محمد، ۱۹۶۸، الطبقات الکبری، تحقیق احسان عباس، چاپ اول، بیروت، دار صار.
- ابن عساکر، علی بن حسن، ۱۴۱۵ق، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر.
- ابوزهره، محمد، ۱۳۸۸، سلفیان، در مجموعه مقالات فرق تسنن، مهدی فرمانیان، چاپ سوم، قم، نشر ادیان.
- ابن عقیل، سید محمد، ۱۴۱۲ق، النصائح الکافیة، چاپ اول، قم، دار الثقافه.
- امین، سید محسن، ۱۹۵۲م، کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب، دارالمکتب الاسلامیه.
- شرتونی، خوزی، ۱۴۰۳ق، اقرب الموارد، قم، انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، ج ۱.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م، الملل والنحل، تحقیق امیرعلی مهنا و علی حسن فاعور، بیروت، دار المعرفه.
- السعید، ناصر، ۱۴۰۴ق، تاریخ آل سعود، ج ۱، دار مکه المکرمه.
- الطریحی، ۱۴۰۳ق، معجم البحرین، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ج ۶.
- العجلانی، منیر، بی تا، تاریخ البلاد العربیه السعودیه، ج ۲، عهد سعود الکبیر.
- ذهبی، محمد بن احمد، ۱۴۱۳ق، سیر اعلام النبلاء، چاپ نهم، بیروت، مؤسسه الرساله.
- ذهبی، محمد بن احمد، ۱۴۰۹ق، تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، ج ۲۸، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ اول.
- مزی، یوسف، ۱۴۰۶ق، تهذیب الکرمال فی أسماء الرجال، چاپ هفتم، تحقیق الدكتور بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسه الرساله.
- یعقوبی بغدادی، احمد بن اسحاق، ۱۴۲۵هـ، تاریخ یعقوبی، ج ۱، دارالاعتصام.

۳-۶. منابع لاتین

-Brown, Cady, 2007, The New Terrorism Debate., Alternatives, Turkish Journal of International Relations, Vol. 6, No. 3 & 4.

فهرست منابع مقاله به زبان انگلیسی

6.Resources The Holy Quran.

1-6. Persian resources.

Islamic punishment law.

- Aghani Nia, Hossein, 2006, Offenses against individuals, Tehran, Publishing.
- Atnaf, Renald, 2004, Crime and Criminology Approach to Terrorism, translated by Ali Hossein Najafi Ebrahbandadi, Journal of Legal Research, No. 39, 317 to 342.
- Juris, Sabri and Eli Lubel, 1350, Zionism in Palestine, Translation by Manouchehr Fekri Rashad, Tehran, Tous Publishing.
- Hosseini Ghazvini, Seyyed Mohammad, Bey, Wahhabism from the Perspective of Wisdom and Religion, Qom, Vali Asr Research Institute (AS).
- Hali, Allamah, 1409 AH, Translation of Al-Alfi, Translator of Conscience, Hijra, Qom, Second Edition.
- Soltan, Seyyed Ahmadban Zein, 1366, Fetnah Wahhabit, Translation by Mohammad Reza Deen Parvar, Tehran, Office of the propaganda of Qabi mosque.
- Warrant, Will, 1367, History of Civilization, Translation by Abolqasem Taheri, 4th, Tehran, Organization for the Publishing and Teaching of the Islamic Revolution.
- Resistance, Walter, 1381. Roots of Terrorism, translated by Seyyed Hassan Mohammadi Najm, Tehran, Islamic Revolutionary Guards Corps, Guards and Corps School.
- Rabbani Golpayegani, Ali, 1998, Theological Differences and Religions, Qom, World Center of Islamic Sciences, First Edition.
- Selimani, Abdul Rahim, 2004, Seven Skies, Specialized Journal of Religions and Religions, No. 22.
- = Gholami, Ali and Hossein Zadeh, Jamaloddin, 1393, Examples of Religious Motivations, Islamic Law Research Journal, 15th Year, No. (39), 91 to 118.
- Chirban Hosseini, Ali Asghar, 1992, Criminology and theft of crime, Tehran, Jihad University Press.
- Key Nia, Mehdi, 1370, Foundations of Criminology (Criminal Sociology), C 2, Third Edition, Tehran, Tehran University.
- Gh.S.Hajsen, Marshal, 1369, Ismaili Sect, Translation by Fereidoun Bedarei, Tehran, Organization for the Publishing and Teaching of the Islamic Revolution.
- Makarim Shirazi, Naser, in collaboration with a number of writers, 2008, Sample Commentary, Tehran, Dar al-Kabul Eslamiyah.
- Mohammad Sadeghi, Hossein, 2007, Offenses against individuals, Tehran, Publishing.
- 2-6.Arban resources
- Aban Abil al-Hadid, Ezzedin bin Haybaullah, 1418 AH, Explanation of Nahj al-Balaghah, Investigations by Mohammed Abdul-Karim al-Nemari, First edition, Beirut, Daryab al-Qa'ulmaya.
- Human Being, Osman bin Abdullah, 1402, Al-Majd-e-Fiji Al-Jeddah Title, Fourth Edition, Riyadh, Al-Mulk Abdul Aziz Press.
- Abn Hajar Asqalani, Ahmad Bin Ali, 1326 AH, Tezabz e Tahzibi, First Edition, India, The Encyclopedia of Elections.

- The Uncle of Andalace, Ali ibn Ahmad, 1317/1320, Al-Faisal al-Faisal al-Wahawa, and Egypt.
- Bon Saad, Mohammed, 1968, al-tatabat al-kabari, research by Ehsan Abbas, First edition, Beirut, Dari Sar.
- Bon the soldier, Ali ibn Hasan, 1415 BC, the history of the Medina of Damascus, the research of Ali Shirani, Beirut, Dar Al-Fakr.
- Mohammad, 2009, Salafiyan, in the collection of articles by Farzaneh Sonnen, Mehdi Farmanian, third edition, Qom, the publication of the religions.
- Ben Aqeel, Seyyed Mohammad, 1412 AH, Al-Nusayeh al-Kafiyah, First edition, Qom, Dar al-Tashafah.
- Amini, Seyyed Mohsen, 1952, Discovery of the Atmosphere of Muhammad ibn Abdul Wahab, Dar al-Sabb al-Islam.
- Shrine, Khuzi, 1403 AH, Aqrab al-Mward, Qom, Ayatollah Marashi Najafi Library Publishing House, 1.
- Shahrestani, Mohammad bin Abdul Kareem, 1415 AH / 1995, National University of Wales, Research by Amir Ali Mahna and Ali Hassan Faur, Beirut, Dar Al-Ma'rafa.
- Nasser, 1404 AH, The History of Al Saud, 1, Dar Meca al-Marmara.
- Al-Tariyah, 1403 AH, Ma'mul Al-Bahrain, Al-Wafa Institute, Second Edition, J 6.
- Al-Salani, Monir, Bey, Al-Balad, Al-Arabiya al-Sa'udiya, 2nd, Sa'd al-Kabir.
- Zahabi, Mohammad bin Ahmad, 1413 AH, Al-Nablah announcement, 9th edition, Beirut, Al-Reylah Institute.
- Dahhabi, Mohammad ibn Ahmad, 1409 AH, History of Islam and Wafiat al-Mashahir and al-A'lam, Investigating Omar Abdul Salam Tammari, J 28, Beirut, Dare al-Maktab al-Arabi, First edition.
- Mesi, Yousef, 1406 AH, Tekhbid al-Malafi al-Rajael, seventh edition, Al-Dakhtar Bashar al-Awad research, Beirut, Al-Reylah Institute.
- Iqbali Baghdadi, Ahmad ibn Ishaq, 1425, Yaqoobi History, J 1, Dar Al-Adamsam.

Latin resources

- Brown, Cady, 2007, The New Terrorism Debate., Alternatives .Turkish Journal of International Relations, Vol. 6, No. 3 & 4.

